**بسم الله الرحمن الرحیم**

**طهارت و نجاست اهل کتاب**

**استاد ابراهیمی زید عزه**

**مجتبی زینلی**

**پایه چهارم**

**درس فقه 2**

**حوزه علمیه علوی قم**

**98-99**

**تقدیم به**

سردار دلها ، حاج قاسم سلیمانی و هم رزمان شهیدش ، مدافعان حضرت زینب سلام الله علیها . ان شاء الله همان طور که برادرانمان در جبهه ی دفاع از حریم اهل بیت علیهم السلام جنگیدند ؛ خداوند به ما هم توفیق دهد تا در جبهه ی علمی بتوانیم برای اهل بیت علیهم السلام سربازی کنیم .

**تقدیر از**

از استاد عزیزم ، حجة الاسلام ابراهیمی زید عزه و تمامی بزرگوارانی که در عرصه ی علم و پژوهش تلاش می کنند .

**چکیده**

مسئله طهارت و نجاست اهل کتاب به دلیل ضرورت معاشرت مسلمانان با ایشان اهمیت دارد. با اینکه مشهور نزد فقهای شیعه، نجاست اهل کتاب است، بسیاری از متاخران و متقدمان فقهای شیعه اهل کتاب را پاک می دانند و به جز اندکی از علمای اهل سنت، به طهارت اهل کتاب حکم داده اند. در عصر حاضر که ارتباطات، ضرورت اجتناب ناپذیری است و انسان ها با قطع نظر از نژاد، دین و مذهب با یکدیگر در تعامل هستند، باید مسئله طهارت یا نجاست اهل کتاب تبیین شود. آن دسته از فقهایی که به طهارت اهل کتاب فتوا داده اند، به اصل طهارت و برائت و ناکافی بودن ادله قائلان به نجاست تمسک جسته اند و فقهایی که فتوی به نجاست اهل کتاب داده اند، به برخی آیات و روایات متمسک شده اند و حتی برخی ادعای اجماع کرده اند. در این پژوهش بعد از بررسی اجمالی مفهوم طهارت و نجاست ، به بررسی و تبیین دلایل هر دو طایفه از فقها درموضوع طهارت و نجاست اهل کتاب پرداخته ایم . و در نهایت درحد خودمان در حد خودمان (نه درحد درس خارج ) این را اثبات خواهیم کرد که اهل کتاب طاهرند .

**کلید واژه :** طهارت ، نجاست ، اهل کتاب

فهرست مطالب

[مقدمه 1](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891207)

[فصل اول: مفهوم شناسی 2](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891208)

[گقتار اول : مفهوم طهارت 2](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891209)

[قسمت اول : طهارت در لغت 2](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891210)

[قسمت دوم : طهارت در اصطلاح 2](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891211)

[گفتاردوم : مفهوم نجاست 2](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891212)

[قسمت اول : نجاست در لغت 2](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891213)

[قسمت دوم : نجاست در اصطلاح 3](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891214)

[گفتار سوم : مفهوم اهل کتاب 3](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891215)

[قسمت اول : اهل کتاب در لغت 3](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891216)

[قسمت دوم : اهل کتاب در اصطلاح 4](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891217)

[فصل دوم : اقوال و ادله طهارت اهل کتاب 5](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891218)

[گفتار اول : قائلان به طهارت اهل کتاب 5](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891219)

[گفتار دوم : ادّله قائلان به طهارت اهل کتاب 5](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891220)

[قسمت اول : آیه شریفه از سوره مائده 5](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891221)

[قسمت دوم : روایات 5](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891222)

[قسمت سوم : اصالة الطهارة 8](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891223)

[گفتار سوم : نتیجه 8](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891224)

[فصل سوم : قائلین و ادله نجاست اهل کتاب 9](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891225)

[گفتاراول : قائلان به نجاست اهل کتاب 9](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891226)

[گفتار دوم : ادّله قول به نجاست اهل کتاب 9](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891227)

[قسمت اول : آیات 9](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891228)

[قسمت دوم : روایات 10](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891229)

[قسمت سوم: اجماع 11](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891230)

[نتیجه نهایی 12](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891231)

[منابع و مآخذ 13](file:///C:\Users\TOSHIBA\Desktop\مجتبی%20زنیلی%20-%20پایه%204.docx#_Toc36891232)

# مقدمه

پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران به رهبری امام خمینی رحمة الله توجه و گرایش به آموزه‌های اسلامی بیش از هر زمان دیگری بوده است؛ چرا که دین مبین اسلام دریایی از معارف و رهنمودها را در جهات مختلف زندگی بشر، در همه عصرها بیان کرده است.

از جمله این آموزه‌ها نحوه ارتباط مسلمانان با افراد سایر ادیان و اهل کتاب است؛ چرا که امروزه روابط مسلمانان با اهل کتاب در کشورهای مختلف از جمله ایران اسلامی و از طرفی ضرورت ارتباط‌های اجتماعی با جوامع بشری و حضور دانشجویان، تجار و گردشگران مسلمان در کشورهای مختلف دنیا، بخشی از روابط مسلمان با افراد سایر ادیان را تشکیل می‌دهد.

فقهای عظام با توجه به متون دینی برای رفع مشکل این ارتباط زحماتی را متحمل شده‌اند. در اینجا به بیان قائلین به طهارت و نجاست اهل کتاب و ادلة آنها می پردازیم تا قدری این موضوع برایمان روشن شود إن شاءالله تعالی .

# فصل اول: مفهوم شناسی

## گقتار اول : مفهوم طهارت

### قسمت اول : طهارت در لغت

طَهَر الطَّاءُ وَالْهَاءُ وَالرَّاءُ أَصْلٌ وَاحِدٌ صَحِيحٌ يَدُلُّ عَلَى نَقَاءٍ وَزَوَالِ دَنَسٍ. وَمِنْ ذَلِكَ الطُّهْرُ، خِلَافُ الدَّنَسِ. وَالتَّطَهُّرُ: التَّنَزُّهُ عَنِ الذَّمِّ وَكُلِّ قَبِيحٍ. وَفُلَانٌ طَاهِرُ الثِّيَابِ، إِذَا لَمْ يُدَنَّسُ. (معجم مقائیس اللغة ،ابن فارس،ج3،ص428)

ماده طهر دلالت بر از بین بردن دناست و زشتی می کند .

ونیزدرکتاب مفردات الفاظ قرآن آمده : طهارة مصدر طهر و به معنای پاک شدن است. بر دو قسم است: طهارت جسم و طهارت نفس (راغب، 1382: 525)

طهارت درلسان العرب نیزبه معنای پاکی، پاکیزگی و [نظافت](http://wikifeqh.ir/%D9%86%D8%B8%D8%A7%D9%81%D8%AA) آمده است.

### قسمت دوم : طهارت در اصطلاح

رفع ما يمنع الصلاة و ما في معناه من حدث أو نجاسة بالماء أو رفع حكمه بالتراب

و عرفت: بأنها صفة حكمية توجب أن تصحح لموصوفها صحة الصلاة أو فيه أو مع

(معجم المصطلحات و الفاظ الفقهیة / عبد المنعم محمود ،عبد الرحمن / ج2 /ص 439)

یعنی طهارت رفع کردن هرآنچه که مانع از نماز خواندن است ویا هرآنچه که در معنای مانع است مثل حدث یا نجاست . حال این طهارت چگونه انجام می شود ؟ با آب یا با تراب

## گفتاردوم : مفهوم نجاست

### قسمت اول : نجاست در لغت

(نَجُسَ) النُّونُ وَالْجِيمُ وَالسِّينُ أَصْلٌ صَحِيحٌ يَدُلُّ عَلَى خِلَافِ الطَّهَارَةِ. وَشَيْءٌ نَجِسٌ وَنَجَسٌ: قَذِرٌ. وَالنَّجَسُ: الْقَذَرُ. (معجم مقائیس اللغة ، ابن فارس ،ج5 ،ص393)

النَّجِسُ: الشيء القذر حتى من الناس وكلُّ شيءٍ قذرته فهو نجس (العین ، الخلیل بن احمد فراهیدی ،ج6،ص55)

دربسیاری از کتب لغت از جمله این این دو کتابی که ذکر شد نجس به شیئ قذر اطلاق شده و خلاف طهارت دانسته شده است.

### قسمت دوم : نجاست در اصطلاح

كل عين حرم تناولها على الإطلاق، مع الإمكان حال الاختيار لا لحرمتها، و لا استقذارها، و لا لضررها في بدن أو عقل، فقد اجتمع في هذا الرّسم جنس و أربعة قيود و أربعة فصول

نجاست یعنی هر عینی که خوردنش کلا حرام باشد البته حرمتش در صورتی است که شخص با اختیارعین نجس را بخورد ..

و قيل: النجاسة: صفة حكمية توجب لموصوفها منع استباحة الصلاة و نحوها، و هي بهذا المعنى أعم من البراز (بالفتح) مكنيا إذ اشتمله و غيره من الأنجاس، كالدم، و البول، و المذي، و الودي، و الخمر، و غير ذلك من الأنجاس الأخرى.

(التوقيف ص 692، و تحرير التنبيه ص 53، و فتح القريب المجيب ص 15، و الموسوعة الفقهية 8/ 56.)

آنچه که از برخی کتب برداشت می شود این است که نجاست در اصطلاح به معنای هر عینی که خوردنش حرام باشد ، یا اینکه یک صفت و حالتی است که مانع از ورود به نماز می شود .

## گفتار سوم : مفهوم اهل کتاب

### قسمت اول : اهل کتاب در لغت

راغب اصفهانی می‌گوید: «أهل الرجل» در اصل کسانی‌اند که با او در یک خانه زندگی می‌کنند، بعد به طور مجاز به کسانی که او و آنها را در یک نسب جمع می‌کند اهل‌بیت آن مرد گفته‌اند (راغب، 1382: 97).

بنابر استعمال قرآن مجید و گفته اهل لغت، اهل در صورتی استعمال می‌شود که میان یک عده افراد، پیوند جامعی بوده باشد مثل پدر، شهر، کتاب و علم و میان آن جامع و افراد، انسی لازم است و کلمه «اهل» به آن جامع اضافه می‌شود، مثل أهل الکتاب (قریشی، 1354: 1/ 135).

کَتب و کِتاب و کتابه یعنی نوشتن. بعضی «کتابة» را اسم می‌دانند. این لفظ در اصل به معنای جمع است «کتبتُ القِربَةَالقِربَةَ؛ یعنی مشک را دوختم» که همان جمع کردن دو چیز به وسیله دوختن است و در متعارف نوشتن را کتابت گویند؛ زیرا بعضی از حروف با بعضی دیگر جمع می‌شوند. گاهی به کلام، کتاب گفته می‌شود؛ چون حروف در تلفظ به هم منضم و با هم جمع می‌شوند. به همین جهت به کلام خدا با آن که نوشته نشده بود کتاب اطلاق شده است (راغب، 1382: 799).

### قسمت دوم : اهل کتاب در اصطلاح

‏صاحب جواهر می فرمایند : ونعني بالكتاب من له كتاب حقيقة ، وهم اليهود والنصارى ومن له شبهة كتاب ، وهم المجوس (جواهر الکلام ،النجفی الجواهری الشیخ محمدحسن ،ج21،ص228)

یعنی اهل کتاب کسی است که چه واقعا برای او کتابش باشد یا شبه ی این باشد که پیرو دینی است که آن دین کتاب دارد.

أهل كتاب، و هم اليهود و النصارى فهؤلاء يجوز إقرارهم على دينهم ببذل الجزية: و من له شبهة كتاب فهم المجوس فحكمهم حكم أهل الكتاب يقرون على دينهم ببذل الجزية (المبسوط فی فقه الامامیة ، شیخ طوسی ، ج2،ص9)

در اینجا اهل کتاب به کسی گفته شده که جزیه پرداخت می کند.

فأما المجوس فحكمهم حكم أهل الكتاب (المبسوط فی فقه الامامیة ، شیخ طوسی،ج2،ص37)

لذا در اصطلاح به یهودی ها و نصاری(مسیحی ها) و مجوسی ها ؛ اهل کتاب می گویند.

[علامه طباطبایی](http://wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%84%D8%A7%D9%85%D9%87_%D8%B7%D8%A8%D8%A7%D8%B7%D8%A8%D8%A7%DB%8C%DB%8C" \o "علامه طباطبایی) می‌ فرمایند: معروف است که مجوس همان ایمان‌آورندگان به زرتشت هستند و کتاب مقدس ایشان اوستا می‌باشد. ([محمدحسین، المیزان فی تفسیر القران، ج۱۴، ص۳۵۸، منشورات اسماعیلیان](http://lib.eshia.ir/12016/14/358/%D8%A7%D9%84%D9%85%D8%B9%D8%B1%D9%88%D9%81) )

زرتشت مصلح بزرگ ایرانی بود که هزار سال قبل از میلاد مسیح می‌زیسته و ادعای پیامبری کرده و با شرک به مبارزه بر خواسته و امتش را به خدای واحدی به نام [اهورامزدا](http://wikifeqh.ir/%D8%A7%D9%87%D9%88%D8%B1%D8%A7%D9%85%D8%B2%D8%AF%D8%A7) می‌خوانده است. اهل کتاب همان یهود و مسیح و مجوس هستند و کتاب مقدسشان [عهد عتیق](http://wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%87%D8%AF_%D8%B9%D8%AA%DB%8C%D9%82) و [عهد جدید](http://wikifeqh.ir/%D8%B9%D9%87%D8%AF_%D8%AC%D8%AF%DB%8C%D8%AF) و اوستا است و کتاب اوستا سراسر اصلاح و [تهذیب نفس](http://wikifeqh.ir/%D8%AA%D9%87%D8%B0%DB%8C%D8%A8_%D9%86%D9%81%D8%B3) و مخالفت هوای نفس است ([طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القران، ج۶، ص۱۸۴، منشورات اسماعیلیان ).](http://lib.eshia.ir/12016/6/184/%D8%A3%D9%87%D9%84)

# فصل دوم : اقوال و ادله طهارت اهل کتاب

## گفتار اول : قائلان به طهارت اهل کتاب

ابن ابی عقیل نعمانی قائل به طهارت اهل کتاب است کما اینکه صاحب جواهر(ره) در کتابش ج6 صفحه 42 قول ابن عقیل را نقل کرده است.

ابن جنید قائل شده به نجاست اوانی و ظروف اهل کتاب که این قول ابن جنید هم در جواهر جلد 6 صفحه ی 46 نقل شده . مرحوم محقق در المعتبر جلد1 صفحه ی96 و صاحب جواهر در کتابش جلد 6 صفحه ی 46 نقل کرده اند که شیخ مفید قائل به کراهت شده اند.

## گفتار دوم : ادّله قائلان به طهارت اهل کتاب

### قسمت اول : آیه شریفه از سوره مائده

«اليوم أحلّ لكم الطيبات و طعام الذين أوتوا الكتاب حلّ لكم و طعامكم حلّ لهم» (سوره مائده ،آیه 5)

بیان استدلال : خداوند در این آیه غذای یهودیان را بر مسلمانان و مسلمانان را بر یهودیان را حلال دانسته است . در این آیه طعام ظهور در طعام مطبوخ دارد وقتی که خداوند طعام مطبوخ یهودیان را بر مسلمانان حلال می داند نشان از عدم نجاست آنان است و الا اگر نجس می بودند ، برمسلمانان حلال نمی بود و از طریق غذا نجاست منتقل می گشت .

اشکالی به این استدلال شده که ، چه کسی گفته که طعام ظهور در مطبوخ دارد بلکه این نه در اصطلاح و نه در لغت است . بلکه در لغت طعام به معنای حنطه یا مطلق حبوبات اطلاق شده است که در این صورت حبوبات خشک اند و نجاست منتقل نمی شود . پس استدلالتان به هم خورد و نشان دهنده ی طهارت اهل کتاب نیست.

کرو فر های فراوانی شده که این مقاله توان نقل این کر و فر ها را ندارد . اما ما به عنوان مثال یک نمونه از این کروفر ها را آوردیم.

### قسمت دوم : روایات

جوازخوردن غذا های اهل کتاب و هم غذا شدن با آنها :

صحيحة عيص بن القاسم قال: سألت أبا عبداللَّه عليه السلام عن مؤاكلة اليهودي والنصراني والمجوسي؟ فقال: إن كان من طعامك وتوضّأ فلا بأس ‌(الكافي 6: 263 ح 3، المحاسن 2: 241 ح 1744، وعنهما وسائل الشيعة 3: 497، كتاب الطهارة، أبواب النجاسات ب 54 ح 1، و ج 24: 208، كتاب الأطعمة والأشربة، أبواب الأطعمة المحرّمة ب 53 ح 1)

حضرت می‌فرمایند که اگر کافر دستش را بشوید هم خوراک شدن با او مانعی ندارد پس معلوم می‌شود که اهل کتاب نجاست ذاتی ندارند و الا در حکم به جواز، شستن چه دخلی می‌توانست داشته باشد و علت این که مقید به شستن شده است با وجود عدم نجاست آن‌ها این است که کفار با نجاساتی مانند خوک و محصولات آن و یا خمر سر و کار دارند و هیچ باکی از آن‌ها ندارند لذا برای برطرف شدن این نجاسات عرضیه این قید لحاظ شده است. این که حضرت در مورد طعام هم فرمودند که هم خوراک شدن با اهل کتاب در خوراک مسلمان اشکالی ندارد به این جهت است که ممکن است در طعام آن‌ها نجاساتی مانند خوک باشد.

ورواية زكريّاً بن إبراهيم قال: دخلت على أبي عبداللَّه عليه السلام فقلت: إنّي رجل من أهل الكتاب، وإنّي أسلمت وبقي أهلي كلّهم على النصرانيّة، وأنا معهم‌ في بيت واحد لم افارقهم بعد، فآكل من طعامهم؟ فقال لي: يأكلون الخنزير؟فقلت: لا، ولكنّهم يشربون الخمر، فقال لي: كُلْ معهم واشرب. وفيما رواه الكليني أنّه قال: فأكون معهم في بيت واحد، وآكل من آنيتهم‌ (تهذيب الأحكام 9: 87 ح 369، المحاسن 2: 241 ح 1745، الكافي 6: 264 ح 10، وعنها وسائل الشيعة 24: 211، كتاب الأطعمة والأشربة، أبواب الأطعمة المحرّمة ب 54 ح 5، وص 209 ب 53 ح 3، وفي ج 3: 517، كتاب الطهارة، أبواب النجاسات ب 72 ح 1 عن الكافي)

از این روایت به روشنی استفاده می‌شود که مانع از هم سفره شدن با اهل کتاب نجاست خوراکی است که مصرف می‌کنند و اگر این جهت منتفی باشد اشکالی در آن نیست پس ثابت می‌شود که خود آن‌ها نجاست ذاتی ندارند و الا باید غذا خوردن با آن‌ها مطلقا ممنوع باشد.

اما این جهت که چرا با وجود شرب خمر حضرت او را از آشامیدن نهی نفرمود، شاید به جهت این باشد که راوی مبتلا به ظرف شرب خمر نبوده است یا این که این روایت هم مانند سایر ادله‌ای که دلالت بر طهارت خمر می‌کنند باید طرح یا تاویل شود.

وصحيحة إسماعيل بن جابر قال: قلت لأبي عبداللَّه عليه السلام: ما تقول في طعام أهل الكتاب؟ فقال: لا تأكله، ثمّ سكت هنيئة ثمّ قال: لا تأكله، ثمّ سكت هنيئة ثمّ قال: لا تأكله ولا تتركه، تقول: إنّه حرام، ولكن تتركه تتنزّه عنه، إنّ في آنيتهم الخمر ولحمر الخنزير. (الكافي 6: 264 ح 9، المحاسن 2: 242 ح 1749، تهذيب الأحكام 9: 87 ح 368، وعنها وسائل الشيعة 24: 211، كتاب الأطعمة والأشربة، أبواب الأطعمة المحرّمة ب 54 ح4)

از این روایات فهمیده می شود که نجاست اهل کتاب امری ذاتی آنها نیست بلکه به خاطر امری است عارضی مانند اینکه آنها خنزیر می خورند و یا شراب می نوشند اما در اینجا که امام علیه السلام پرسیده اند که آنها خوک می خورند یا نه ؟ به این خاطر است که معمولا گوشت خوک یا شحمش در غذا می باشد . و علت اینکه شراب را دخیل ندانسته اند ، این است که شراب جدای از طعام است.

جواز ازدواج کردن با اهل کتاب چه به صورت دائمی و چه متعة :

محمد بن الحسن بإسناده عن أحمد بن محمد بن عيسى ، عن الحسن بن علي بن فضال ، عن بعض أصحابنا ، عن أبي عبدالله عليه‌السلام قال : لا بأس أن يتمتع الرجل باليهودية والنصرانية وعنده حرة (وسائل الشیعة ،طبع آل البیت ،الحرالعاملی الشیخ ابوجعفر ،ج20 ،ص540)

وعنه ، عن محمد بن سنان ، عن أبان بن عثمان ، عن زرارة قال : سمعته يقول : لا بأس أن يتزوج اليهودية والنصرانية متعة وعنده امرأة.(وسائل الشیعة ،طبع آل البیت ،الحرالعاملی الشیخ ابوجعفر ،ج20 ،ص540)

در اینجا ما فقط به ذکر چند روایت اکتفا کرده ایم.

جواز شیردادن مرضعه اهل کتاب :

محمد بن يعقوب ، عن أبي علي الاشعري ، عن محمد بن عبد الجبار ، عن صفوان ، عن سعيد بن يسار ، عن أبي عبدالله عليه‌السلام قال : لا تسترضع الصبي المجوسية وتسترضع له اليهودية والنصرانية ولا يشربن الخمر ، يمنعن من ذلك(وسائل الشیعة ،طبع آل البیت ،الحرالعاملی الشیخ ابوجعفر ،ج21 ،ص465)

عبدالله بن جعفر في ( قرب الاسناد ) عن عبدالله بن الحسن ، عن جده علي بن جعفر ، عن أخيه موسى بن جعفر عليه‌السلام ، قال : سألته عن الرجل المسلم ، هل يصلح له أن يسترضع اليهودية والنصرانية وهن يشربن الخمر؟ قال : امنعوهن من شرب الخمر ما أرضعن لكم ، وسألته عن المرأة ولدت من زنا ، هل يصلح أن يسترضع لبنها؟ قال : لا ، ولا ابنتها التي ولدت من الزنی. (وسائل الشیعة ،طبع آل البیت ،الحرالعاملی الشیخ ابوجعفر ،ج21 ،ص465)

دراین روایات که البته فقط 2 نمونه را آوردیم امام علیه السلام فرمودند که اگر زنان مرضعه یهودی یا نصرانی را از شرب خمر بازدارید ، اشکالی ندارد که فرزندانتان از شیر آنان بخورند .

جواز تغسیل اهل کتاب مسلمی را که مسلم محرمی از اقرباء برایش یافت نمی شود :

(در کتب فقهی به این عنوان آمده : باب حكم تغسيل الذميّ المسلم إذا لم يحضره مسلم ولا مسلمة ذات رحم ، وكذا الذميّة والمسلمة).

محمّد بن الحسن ، عن المفيد ، عن محمّد بن أحمد بن داود ، عن أبيه ، عن علي بن الحسين ، عن محمّد بن يحيى ، عن محمّد بن أحمد بن يحيى ، عن أحمد بن الحسن بن علي بن فضّال ، عن عمرو بن سعيد ، عن مصدّق بن صدقة ، عن عمّار بن موسى ، عن أبي عبدالله ( عليه السلام ) ـ في حديث ـ قال : قلت : فإن مات رجل مسلم وليس معه رجل مسلم ، ولا إمرأة مسلمة من ذوي قرابته ، ومعه رجال نصارى ، ونساء مسلمات ليس بينه وبينهنّ قرابة ؟ قال : يغتسل النصارى ثمّ يغسلونه ، فقد اضطرّ.

وعن المرأة المسلمة تموت وليس معها امرأة مسلمة ، ولا رجل مسلم من ذوي قرابتها ، ومعها نصرانيّة ، ورجال مسلمون؟ قال : تغتسل النصرانيّة ثمّ تغسلها.

وبإسناده عن سعد بن عبدالله ، عن أبي الجوزاء ، عن الحسين بن علوان ، عن عمرو بن خالد ، عن زيد بن علي ، عن آبائه ، عن علي ( عليهم السلام ) قال : أتى رسول الله ( صلى الله عليه وآله ) نفر فقالوا : إنّ امرأة توفّيت معنا وليس معها ذو محرم ؟ فقال : كيف صنعتم ؟ فقالوا : صببنا عليها الماء صبّاً ، فقال:أوما م وجدتم امرأة من أهل الكتاب تغسلها ؟ قالوا : لا ، قال أفلا يمّمتموها ؟(وسائل الشیعة ، طبع آل البیت ،الحرالعاملی الشیخ ابوجعفر،ج2،ص516)

قال: قلت للرضا عليه السلام: الخيّاط أو القصّار يكون يهوديّاً أو نصرانيّاً وأنت تعلم أنّه يبول ولا يتوضّأ؟ قال: لا بأس‌ (تهذیب الاحکام ، شیخ الطایفة ، ج6، ص385)

در این روایت راوی از حضرت سؤال می کند که می شود لباس را به خیاط یا شوینده اهل کتاب داد؟ حضرت می فرمایند مشکلی ندارد پس معلوم می شود اهل کتاب طاهرند و إلّا حکم به عدم اشکال صحیح نبود.

### قسمت سوم : اصالة الطهارة

اصالة الطهارة یعنی اينكه هر جا شك در طهارت يا نجاست چيزى بشود حکم  به طهارتش مى‌نماييم. اگر روایات و آیات را بررسی کردیم و فرضا اگر به دلیلی نرسیدیم بنا را بر این اصل می گذاریم .

### گفتار سوم : نتیجه

از مجموع روایات برداشت می شود که اهل کتاب نجاست ذاتی ندارند بلکه در واقع نجاست ذاتی نزد سائل مفروغ عنه بوده است بلکه شبهه به خاطر خبث ظاهری مثل بول و غائط و ...بوده.

نکته : لازم به یادآوری است که در صورت نجس ذاتی بودن اهل کتاب، آب دهان، غذا و آب نیم خورده و لباس مرطوبی که آنان بر تن می‌کنند و نیز آب قلیلی که بدان دست می‌زنند، نجس خواهد بود و نمی توان استفاده کرد، چنانکه ورودشان به مساجد حرام بوده و اگر کسی با دست مرطوب آنان مصافحه نماید باید دستش را تطهیر کند. اما اگر طهارت ذاتی داشته باشند و به نجاست عرضی نیز آلوده نباشند، اجتناب از امور فوق لازم نیست، ولی محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی دیگر بر جای خود باقی است. و می توان این نهی ها را حمل برکراهت کرد.

# فصل سوم : قائلین و ادله نجاست اهل کتاب

## گفتاراول : قائلان به نجاست اهل کتاب

صاحب جواهر درکتابش در جلد 6 صفحه ی 42 آورده است که نجاست اهل کتاب از ضروریات مذهب شیعه است .

ودر جواهر نظر محقق بهبهانی این گونه آورده شده است : ولقد أجاد الأستاذ الأكبر بقوله : « إن ذلك شعار الشيعة ، يعرفه منهم علماء العامة وعوامهم ونساؤهم وصبيانهم ، بل وأهل الكتاب فضلا عن الخاصة »

همچنین سید مرتضی در الانتصار ص88 می فرمایند :   
و مما انفردت به الإمامية: القول بنجاسة سؤر اليهودي و النصراني و كل كافر . همچنین شیخ طوسی در النهایة ج 1 صفحه ی 590 می فرمایند : و یکره أن یدعو الإنسان أحداً من الکفّار إلی طعامه فیأکل معه، فإن دعاه فلیأمره بغسل یدیه، ثمّ یأکل معه إن شاء.

## گفتار دوم : ادّله قول به نجاست اهل کتاب

### قسمت اول : آیات

1. یکی از دلایل عمده قائلین به نجاست ذاتی اهل کتاب، آیه «انما المشرکون نجس» می‌باشد و این استدلال در صورتی درست است که مشرک بودن آنان ثابت شود.

يا أَيُّهَا اَلَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا اَلْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلا يَقْرَبُوا اَلْمَسْجِدَ اَلْحَرامَ بَعْدَ عامِهِمْ هذا وَ إِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اَللّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شاءَ إِنَّ اَللّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (التوبة، 28)

«ای کسانی که ایمان آورداید: مشرکان ناپاکند؛ پس نباید بعد از امسال، نزدیک مسجدالحرام شوند!».

حتی برخی بر آنند که مشرکان از سگ و خوک نیز نجس‌ترند، چرا که در آیه به جای به کار بردن کلمه مشتق «نَجِس» ازمصدر (= نَجَس) برای توصیف آنها استفاده شده است، و این مفید مبالغه است. همانند اینکه برای توصیف عدالت بیش از اندازة کسی مثلاً گفته می‌شود: «زیدٌ عَدْل» یعنی زید سراپا عدالت است، زید یعنی عدالت، نه اینکه زید عادل است . کسانی که قائل به نجاست اهل کتاب اند به این آیه استناد کرده اند و گفته اند که منظور از مشرکان یهودو نصاری نیز می باشند . علت اینکه این حرف را میزنند به خاطر کلامی است که در چند آیهه بعد از این آیه آمده : ( اتَّخَذُوا أَحْبارَهُمْ وَرُهْبانَهُمْ أَرْباباً مِنْ دُونِ اللهِ) : (سُبْحانَهُ عَمّا يُشْرِكُونَ )

اما این استدلال رد شده به اینکه اول الکلام همین است که یهود و نصاری مشرک نیستند چراکه اینکه آنها احبار و رهبانانشان را به عنوان اربابی غیر خدا گرفته اند به این معنا نیست که آنان را به الوهیت قبول داشته باشند نه بلکه در مقام امتثال از اوامر ونواهی شان اطاعت می کرده اند .

1. دلیل دیگر بر نجاست کفار از جمله اهل کتاب آیه «کذلک یجعل الله الرجس علی الذین لا یومنون؛ انعام /125» می‌باشد .

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ ۖ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ ۚ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ (سوره انعام ،آیه 125)

پس هر که را خدا هدایت او خواهد قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن گرداند و هر که را خواهد گمراه نماید (به حال گمراهی واگذارد) دل او را از پذیرفتن ایمان تنگ و سخت گرداند که گویی می‌خواهد از زمین بر فراز آسمان رود. این چنین خدا آنان را که به حق نمی‌گروند مردود و پلید می‌گرداند.

### قسمت دوم : روایات

حسنه سعيد اعرج است به اين صورت: «قال: سألت أبا عبداللّه‌ عليه‌السلام عن سؤر اليهودي و النصراني؟ فقال: لا» و نصّ آن طبق آنچه در فقيه است به اين شكل مى‌باشد: «و سأله سعيد الأعرج عن سؤر اليهودي و النصراني أ يؤكل أو يشرب؟ قال: لا»

همان گونه كه ملاحظه مى‌شود و مؤلف نيز بر آن تأكيد دارد، روايت هيچ دلالتى بر نجاست ندارد و نهايتا اجتناب از سؤرشان را مى‌رساند كه به معنى باقى مانده آب يا غذاشان مى‌باشد. اما وجه اعتبارى براى نجاست اهل كتاب اين است كه نجس دانستن آنها نوعى تحقير به حساب مى‌آيد و باعث مى‌شود تا مسلمين در روابط بين المللى و ديپلماسى خارجى نوعى برترى و تفوقى نسبت به آنها داشته باشند كه البته همان گونه كه مؤلف مى‌گويد اين نوعى استحسان به حساب آمده و قابل اعتماد در اثبات حكم شرعى نمى‌باشد

كصحيحة عليّ بن جعفر ، عن أخيه موسی عليه‌السلام: إنه سأله عن رجل اشترى ثوبا من السوق للبس لا يدري لمن كان هل يصلح الصلاة فيه؟ قال : « إن اشتراه من مسلم فليصلّ فيه ، وإن اشتراه من نصراني فلا يصلّي فيه حتى يغسله» (التهذيب ( ١ : ٢٦٣ ـ ٧٦٦ ) ، قرب الإسناد : (٩٦) ، السرائر : (٤٧٧) ، الوسائل ( ٢ : ١٠٧١ ) أبواب النجاسات ب (٥٠) ح 1)

استدلال به این روایت هم تمام نیست زیرا در آن، فرض ملاقات همراه با رطوبت نشده است و در ضمن نماز در لباس اهل کتاب هم صحیح است بنابراین نهی در این روایت نهی تنزیهی خواهد بود

وصحيحة محمد بن مسلم ، قال : سألت أبا جعفر عليه‌السلام عن آنية أهل الذمة والمجوس ، فقال : « لا تأكلوا في آنيتهم ، ولا من طعامهم الذي يطبخون ، ولا في آنيتهم التي يشربون فيها الخمر» (الكافي ( ٦ : ٢٦٤ ـ ٥ ) ، التهذيب ( ٩ : ٨٨ ـ ٣٧٢ ) ، الوسائل ( ١٦ : ٤٧٥ ) أبواب الأطعمة المحرمة ب (٥٤) ح (٣) )

از جهت دلالت این روایت بر نجاست ، به جهت مقید کردن نهی به طعام پختنی و ظرف شراب تمام نیست بلکه ممکن است دلالت آن بر طهارت آن‌ها اظهر باشد. زیرا اگر خود آن‌ها نجس بودند لازم نبود تمام ظروف آن‌ها حتی ظرف آبشان هم باید نجس می‌بود. پس ممکن است وجه اجتناب نجاست خمر و در طعام وجود گوشت یا چربی خوک باشد که اهل کتاب از آن‌ها اجتناب نمی کنند. یا این که ظروف آن‌ها اگر آلوده به نجاست شود آن را تطهیر نمی کنند.

جمعی که می شود بین روایات در مورد نجاست و طهارت اهل کتاب کرد به این است که یا روایات که دلالت بر طهارت اهل کتاب می کنند را حمل بر تقیه کرد. یا اینکه روایاتی که دلالت بر نجاست اهل کتاب دارند را حمل بر کراهت کرد . اما شاهدی که می توان بر اثبات مدعای دوم کردیعنی طهارت اهل کتاب این است که این نظر مطابق با اصل است (اصالة الطهارة) ویا گفت که روایات مطلق اند و شاید می خواهند مسلمانان با آنان کمتر مباشرت داشته باشند به خاطر نجاست عارضی که دارند. ( مدارک الاحکام ، الموسوی العاملی السید محمد ، ج 2 ،ص298)

### قسمت سوم: اجماع

مهم ترین دلیل قائلان به نجاست اهل کتاب پس از قرآن و سنت، اجماع فقهاء شیعه است و گروهی ازفقهاء که دلایل فوق را ناتمام می‌شمارند، برای تضعیف روایات دال بر طهارت اهل کتاب، به اجماع تمسک جسته وآن را قوی ترین دلیل دانسته‌اند. البته اگر اجماع ، ارتکاز کاشف از کلام معصوم علیه السلام باشد و ثابت شود؛ این نوع از اجماع از هراجماعی بالاتر است.

# نتیجه نهایی

**طبق دو قولی که گفته شد و ما ادله این دو قول را بررسی کردیم ؛ نهایت امر بع این نتیجه می ریسم که**  در هر دو قول هم روایت و هم آیه مورد اعتنا است . لذا ما به آن اصل طهارت که در ادله طهارت به آن اشاره کردیم تکیه می کنیم . یعنی بنا بر اصل طهارت ، ما با اهل کتاب را طاهر می دانیم .

# منابع و مآخذ

1. قرآن کریم
2. اصفهانی، راغب، مفردات الفاظ القرآن، قم، ذئی القربی، چاپ سوم، 1382.
3. آملی ، محمد تقی ، مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی ، 10جلد ، تهران ، انتشارات فردوسی ، بی تا
4. انصاری ، شیخ مرتضی ، الطهارة ، چاپ سنگی ، قم ، مؤسسة آل البیت لاحیاءالتراث ، بی تا ..
5. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، احیاء التراث العربی، چاپ دوم، 1381ق.
6. خویی ، سیدابوالقاسم ، التنقیح فی شرح العروة الوثقی ، تقریر: میرزا علی غروی تبریزی ، 12جلد ، چاپ سوم ، قم ، دارالهادی للمطبوعات ، 1410 ق
7. خویی، ابوالقاسم، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، قم، مؤسسه احیاء آثار آیت‌الله خویی، چاپ سوم، 1426ق.
8. شیخ الطایفه، ابوجعفر محمد بن حسن بن على بن حسن طوسى، 1400 ه.ق، النهاية في مجرد الفقه و الفتاوی، دار الکتاب العربي ، نوبت دوم ، بیروت
9. صاحب جواهر ، النجفي الجواهري الشيخ محمد حسن، 1362ش، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام قوچاني، عباس (محقق) ، دار إحياء التراث العربي ، نوبت هفتم ، بیروت
10. فیض کاشانی ، ملامحسن ، الوافی ، 15 جلد ، اصفهان ، مکتبة الامام امیرالمؤمنین (ع) ، 1411 ق - - شهرستانی ، الملل و النحل ، منشورات شریف رضی
11. کلینی ، محمدبن یعقوب ، اصول کافی ، جلد 4 ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، بی تا .
12. مجلسی ، محمدباقر ، بحار الانوار ، 110 جلد ، بیروت ، داراحیاء التراث العربی ، 1403 ق .